

خشونت علیه زنان، خشونت علیه جامعه است.

فریده ثابتی / آبان ۱۴۰۰

شیفت شامل سه نوع کار تمام رایگان و بدون هیچ مزد است: اول کاری که جزئی از پروسه بازتولید نیروی کار خود و همسر اوست. تهیه غذا، نظافت، شست و شو، تیمارداری تا مردش و خودش نیروی لازم برای کار فردا را پیدا کنند. دوم پرورش و آماده سازی نیروی کار آتی برای سرمایه با تیمار داری از کودکان، سوم کار مراقبتی در رابطه با سالمندان و بیماران خانواده. زن در تمامی این حوزه ها به طور رایگان و بدون هیچ اجرت برای سرمایه کار می کند و توسط سرمایه استثمار می گردد.

خشونت ساختاری سرمایه خشونت دولتی هم است زیرا دولت سرمایه داری آن را پاسداری می کند و اگر هم قوانینی تصویب می کنند که باید مثلا دستمزدها مساوی باشد، تصنعی و عوامفریبانه است. آنها کار چند گانه بدون هیچ مزد زنان را قانون خلقت می دانند.

ندیده گرفتن حق زن بر بدن خویش در اکثر کشورهای جهان خشونت دیگری است که توسط دولت ها بر زنان تحمیل می شود و توسط مذهب حمایت و از نظر ایدئولوژیکی توجیه، القاء و تقدیس می شود زیرا پاپ و آخوند و سرمایه خود را حاکم شکم های زنان

خشونت بر زنان حد و مرز نمی شناسد. این خشونت در عصر حاضر رویه ای از کارکرد قهری سرمایه داری است. سرمایه داری در اعمال این خشونت منافع عظیمی دارد. در سراسر دنیای سرمایه داری زنان گنجینه لایزال و سرشار نیروی کار ارزانند و صد البته کودکان هم جزء مهمی از این گنجینه و مخزن می باشند. سرمایه رابطه تولید ارزش اضافی است. هر چه نیروی کار ارزان تر باشد، حجم اضافه ارزشهاستگین تر می گردد این جاست که زنان برای سرمایه مهم می شوند. آنان با دستمزد کمتر، استثمار فرساینده تری را تحمل می کنند و سودهای عظیم تری را تحویل می دهند. در ممالک پیشرفته اروپائی زنان در قیاس با مردان بین ۱۷ تا ۲۳٪ دستمزد شان برای کار مشابه و مساوی کم تر است. در آلمان با اعلام رسمی در دسامبر ۲۰۲۰ با اندکی کاهش به ۱۹٪ رسیده است. استثمار مشدد و مضاعف زنان توسط سرمایه به همین ختم نمی شود. وقتی زن بعد از ۸ ساعت کارخسته به خانه می آید شیفت دوم کارش آغاز می گردد. کاری که تمامش استثمار است. حتی اگر مستقیم ارزش اضافی تولید نکند، به طور غیرمستقیم در خدمت تولید آن است. این

یک مورد زیر ده سال بوده است، در اینجا اجازه ی پدر و حکم دادگاه شرع برای ازدواج کافی است و نظر دختر هیچ محلی از اعراب ندارد. این تعداد، بخش ثبت شده کودک همسری است بسیاری از کودکان نیز بیشتر به دلیل مشکلات اقتصادی خانواده به مردان بزرگسال و حتی پیر به صورت صیغه فروخته می شوند به همین سبب در لیست مربوط به ازدواج و طلاق مرکز آمار تعدادی بیوه های زیر ۱۵ سال هم وجود دارد. کودک همسری با توجه به قانونی بودن مساله، یک خشونت کثیف دولتی سرمایه علیه دختر بچه هاست که تحقیر زن را به نقطه اوج می رساند. در همان حال نوعی خشونت خانگی است که از طرف پدر اعمال می شود. خشونت خانگی جسمی و روحی و زبانی زنان در خانه توسط همسر، پدر و برادر نوع دیگری از خشونت علیه زنان است که ریشه در مردسالاری مسلط در جامعه سرمایه داری دارد. مردسالاری و سلطه ی مرد در خانواده در حقیقت کپی کم رنگی از سلطه ی سرمایه و سرمایه سالاری حاکم در جامعه است که خود را بر جامعه و به ویژه بر طبقه ی کارگر تحمیل می کند. رفع مجموعه این خشونت ها با تصویب این و آن قانون امکان پذیر نیست. شکی نیست که باید علیه قوانین جاری و روز سرمایه به ویژه در رابطه با سن ازدواج، قتل ناموسی و غیره مبارزه کرد، اما تنها در برپائی جامعه ای رها شده از شر سرمایه و کار مزدبگیری است که می توان ریشه های واقعی خشونت را خشکاند.

هم می دانند. به ضرب اعتراضات زنان در برخی کشورها این مورد از خشونت تضعیف شده است اما همچنان باقی است. در بعضی جاها به طور مثال ایران گویا سپاه یا پلیس ضد سقط جنین هم در حال تشکیل است که طبق این طرح که احتمالاً به صورت قانون در می آید، نه تنها زنان بلکه پزشکان، پرستاران، ماماها و آزمایشگاه ها هم توسط سپاه یا پلیس ضد سقط جنین رصد و کنترل و ناقض آن مجرم دیده شده و مجازات خواهند شد. محدود کردن و نادیده گرفتن حق انتخاب پوشش برای زنان در ایران و کشورهای اسلامی، نوعی دیگر از خشونت دولتی سرمایه است که زندگی، کار و رفت و آمد را برای زنان مشکل می سازد و حادثه می آفریند و سبب مرگ می شود- همین دو هفته گذشته در ۱۶ آبان ۴۰۰ مرضیه طاهریان کارگر ۲۱ ساله سمنانی با گیر کردن مقنعه اش در دستگاه ریسندگی جانش را از دست داد-. حق انتخاب همسر با ازدواجهای اجباری دختران به دلایل سنت های قومی پاسداری شده از سوی سرمایه یا فقر معیشتی، از سوی خانواده نادیده گرفته می شود. این خشونت است که زندگی حال و آینده زن را تخریب می کند. کودک همسری نیز در این مقوله می گنجد. بنا بر تخمین یونیسف تعداد دختر بچه های ازداج کرده زیر ۱۸ سال در دو سال اخیر از ده میلیون متجاوز است. در ایران بنا بر گزارش مرکز آمار ماهانه به طور متوسط ۲۲۰۰ کودک بین ۱۰ تا ۱۴ سال در سال ۹۹ به طور رسمی عروس شده اند که